

[طائفه‌ی چهارم روایات قتیل القریه 1](#_Toc6157943)

[طائفه‌ی پنجم روایات قتیل القریه 2](#_Toc6157944)

[طائفه‌ی ششم روایات قتیل القریه 2](#_Toc6157945)

[کیفیت قسامه در اهل قریه 3](#_Toc6157946)

**موضوع**: قسامه /طرق اثبات قتل /قصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث درروایات قتیل القریه بود که مفادش با روایات باب قسامه متفاوت بود. همان طوری که مرحوم آقای خوئی و صاحب جواهر هم همین گونه برداشت کرده اند و صاحب جواهر باب جداگانه ای برای قتیل القریه باز کرده است. در این بحث گفتیم چند دسته روایات وجود دارد که چهار طائفه بیان شد. طائفه‌ی اول عدم ضمان علی الاطلاق بود. طائفه‌ی دوم ضمان دیه بود علی الاطلاق. طائفه ی سوم ضمان دیه بود مگر بینه داشته باشند بر عدم قاتل بودن. بحث منتهی شد به طائفه‌ی چهارم.

# طائفه‌ی چهارم روایات قتیل القریه

این طائفه از روایات دلالت دارد بر ضمان دیه مگر در فرض قسم بر نفی قاتل بودن. در روایت علی بن فضیل آمده است: «مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ وَ الْعَبَّاسِ وَ الْهَيْثَمِ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا وُجِدَ رَجُلٌ مَقْتُولٌ فِي قَبِيلَةِ قَوْمٍ حَلَفُوا جَمِيعاً مَا قَتَلُوهُ وَ لَا يَعْلَمُونَ لَهُ قَاتِلًا فَإِنْ أَبَوْا أَنْ يَحْلِفُوا غُرِّمُوا الدِّيَةَ فِيمَا بَيْنَهُمْ فِي أَمْوَالِهِمْ سَوَاءً بَيْنَ جَمِيعِ الْقَبِيلَةِ مِنَ الرِّجَالِ الْمُدْرِكِينَ‌«[[1]](#footnote-1) این روایت از لحاظ سندی به خاطر علی بن فضیل مشکل دارد مگر اینکه بگوئیم تصحیفی در روایت رخ داده است و به جای «الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْفُضَيْلِ» عبارت «الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عن عَلِيِّ بْنِ رئاب عن الْفُضَيْلِ بن یسار» بوده است که بعید هم نیست، اگر این طور باشد روایت صحیحه می شود و این روایت خودش طائفه‌ی مستقلی می شود و مفادش این است که اگر ابای از قسم کردند باید دیه را پرداخت کنند. در نتیجه سقوط دیه منوط به دو امر است: بینه بر عدم قاتل بودن و یا اقامه‌ی قسم بر نفی قاتل بودن. اگر این روایت تصحیح نشد سقوط دیه فقط منوط به یک امر می شود و آن هم اقامه‌ی بینه بر نفی قاتل بودن است و در غیر این صورت ضامن دیه هستند.

# طائفه‌ی پنجم روایات قتیل القریه

این طائفه سه روایت است که بیان صغرایی برای بحث است. کأنّ اینکه قتیل القریه ضامن هستند مفروض گرفته شده است و از مواردی خاص سؤال می کند. در روایت سماعه آمده است: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُوجَدُ قَتِيلًا فِي الْقَرْيَةِ أَوْ بَيْنَ‏ قَرْيَتَيْنِ‏ فَقَالَ يُقَاسُ مَا بَيْنَهُمَا فَأَيُّهُمَا كَانَتْ أَقْرَبَ ضُمِّنَت‏»[[2]](#footnote-2) که مفادش این است که اگر مقتولی بین دو روستا پیدا شود قریه‌ی نزدیک تر به قتیل ضامن دیه هستند. روایت حلبی هم که شیخ در تهذیب آورده است مثل همین روایت است.

روایت دیگر این طائفه، روایت معتبره‌ ای است که در آن آمده است: «مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ أَبِي الْخَزْرَجِ عَنْ فَضْلِ بْنِ عُثْمَانَ الْأَعْوَرِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَبِيهِ ع‏ فِي الرَّجُلِ يُقْتَلُ فَيُوجَدُ رَأْسُهُ فِي قَبِيلَةٍ وَ وَسَطُهُ وَ صَدْرُهُ‏ فِي‏ قَبِيلَةٍ وَ الْبَاقِي فِي قَبِيلَةٍ قَالَ دِيَتُهُ عَلَى مَنْ وُجِدَ فِي قَبِيلَتِهِ صَدْرُهُ وَ بَدَنُهُ وَ الصَّلَاةُ عَلَيْه‏»[[3]](#footnote-3) این روایت هم از صغریات بحث قتیل القریه است.

# طائفه‌ی ششم روایات قتیل القریه

این طائفه‌ی از روایات هیچ معارضه ای با روایات دیگر ندارد و عبارتند از برخی روایات مثل روایت خیبر که خیبر هم قریه ای بوده است. در روایت سلیمان بن خالد آمده است: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع‏ سَأَلَنِي عِيسَى‏ وَ ابْنُ شُبْرُمَةَ مَعَهُ عَنِ الْقَتِيلِ يُوجَدُ فِي أَرْضِ الْقَوْمِ‏ فَقُلْتُ وَجَدَ الْأَنْصَارُ رَجُلًا فِي سَاقِيَةٍ مِنْ سَوَاقِي خَيْبَرَ فَقَالَتِ الْأَنْصَارُ الْيَهُودُ قَتَلُوا صَاحِبَنَا فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ص لَكُمْ بَيِّنَةٌ فَقَالُوا لَا فَقَالَ أَ فَتُقْسِمُونَ فَقَالَتِ الْأَنْصَارُ كَيْفَ نُقْسِمُ عَلَى مَا لَمْ نَرَهُ فَقَالَ فَالْيَهُودُ يُقْسِمُونَ فَقَالَتِ الْأَنْصَارُ يُقْسِمُونَ عَلَى صَاحِبِنَا قَالَ فَوَدَاهُ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ عِنْدِهِ فَقَالَ ابْنُ شُبْرُمَةَ أَ رَأَيْتَ لَوْ لَمْ يُؤَدِّهِ النَّبِيُّ ص قَالَ قُلْتُ: لَا نَقُولُ‏لِمَا قَدْ صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَوْ لَمْ يَصْنَعْهُ قَالَ فَقُلْتُ‏ فَعَلَى مَنِ الْقَسَامَةُ قَالَ عَلَى أَهْلِ الْقَتِيلِ»[[4]](#footnote-4) در این روایت چون متهم مشخصی فرض شده است و مدعی هم نه بینه داشت و نه قسامه و از مدعی علیه هم طلب قسم نکرد پیامبر صل الله علیه و آله از بیت المال دیه را پرداخت کردند. ولی در باب قتیل القریه اگر متهم خاصی نباشد و یا باشد و دفع تهمت از خود به وسیله‌ی بینه یا قسم کند نوبت به ضمان دیه بر عهده‌ی اهل قریه می رسد. این روایات را از این باب قتیل القریه حساب کردیم که مدلول این روایات این است که وقتی نوبت به قتیل القریه می رسد که یا متهم خاصی نباشد یا اگر باشد ولی از متهم مطالبه قسامه نشود اما اگر متهم خاصی باشد نوبت به قتیل القریه نمی رسد.

# کیفیت قسامه در اهل قریه

در روایت علی بن فضیل آمده بود: «حَلَفُوا جَمِيعاً» اینکه همه باید قسم بخورند غیر از قسامه‌ی اصطلاحی می شود که باید پنجاه نفر قسم بخورند. اگر گفتیم روایات خیبر مصداق قتیل القریه است و از طرف دیگر در روایت خیبر متهم خاصی فرض نشده است زیرا در برخی روایت خیبر دارد «الْيَهُودُ قَتَلُوا صَاحِبَنَا» که ظاهرش این است که متهم مشخصی در کار نیست و در روایت دارد «يَحْلِفُ‏ الْيَهُودُ» یعنی همه‌ی یهود که در این صورت مطابق با روایت علی بن فضیل است و در نتیجه قسامه‌ی در اهل قریه قسامه‌ی اصطلاحی نیست و همه باید قسم بخورند. روایات باب خیبر دو دسته اند: متهم مشخصی هست مثل «إِنَّ فُلَاناً الْيَهُودِيَ‏ قَتَلَ صَاحِبَنَا» و دسته‌ی دوم اینکه متهم مشخصی نیست «الْيَهُودُ قَتَلُوا صَاحِبَنَا» به قرینه‌ی اینکه گفته اند: «كَيْفَ نُقْسِمُ عَلَى مَا لَمْ نَرَهُ» که طبق این دسته ی دوم از مصادیق روایات قتیل القریه می شود. ما قبلا عبارت «یقسم الیهود» را قسامه‌ی اصطلاحی معنا کردیم از باب قرینه‌ی مقابله. اما اگر بنا باشد روایات قتیل خیبر دو طائفه باشد و در این طائفه، متهم مشخصی نیست «یحلف الیهود» یعنی تمام یهود که مطابقت با علی بن فضیل می کند. ولی اگر گفتیم «یحلف الیهود» یعنی پنجاه نفر به قرینه‌ی مقابله و از روایات قتیل القریه هم هست شاهد می شود که روایت علی بن فضیل هم که گفته «حلفوا جمیعا» یعنی پنجاه نفر. پس قضیه‌ی قتیل القریه امرش دائر می شود در قتیل القریه بین پنجاه نفر یا حلف جمیع. ولیکن عمده این است که روایت علی بین فضیل نزد ما وثاقتش ثابت نشد و مفاد این روایت می شود قسم پنجاه نفر به قرینه‌ی مقابله.

1. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج10، ص206.](http://lib.eshia.ir/10083/10/206/الْهَيْثَم‏) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج7، ص356.](http://lib.eshia.ir/11005/7/356/سَمَاعَة) [↑](#footnote-ref-2)
3. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج10، ص213.](http://lib.eshia.ir/10083/10/213/الْأَعْوَر) [↑](#footnote-ref-3)
4. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج4، ص99.](http://lib.eshia.ir/11021/4/99/سَوَاقِي‏) [↑](#footnote-ref-4)